

تاریخ برگزاری بزرگداشت

۱۳ دی ماه ۱۳۸۲

زندگی نامه دکتر شیرین بیانی / ویراستار امید قنبری. -- تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۵.

۲۲۴ ص. مصور، نمونه، عکس. -- (مجموعه زندگی نامه ها) شماره ۴۴. سلسله انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی؛ شماره ۴۱۳) ISBN: 964-528-045-1 ریال ۱۵۰۰۰

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

عنوان دیگر: زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی دکتر شیرین بیانی.

عنوان روی جلد: زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد دکتر شیرین بیانی.

عنوان عطف: استاد دکتر شیرین بیانی.

Biography & academic life of
Sh. Bayani. پشت جلد به انگلیسی:

کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. سرگذشتنامه -- مجموعه ها. ۲. بیانی، شیرین (اسلامی ندوشن)، ۱۳۱۷ - -- سرگذشتنامه. الف. قنبری، امید، ویراستار. ب. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. ج. عنوان: زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد دکتر شیرین بیانی. د. عنوان: استاد دکتر شیرین بیانی. ه. عنوان: زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی دکتر شیرین بیانی. و. فروست: مجموعه زندگی نامه ها؛ [ج] ۴۴.

۹۲۰/۰۲

СТ۲۸۳/ف ۴۴

ج ۴۴

۸۵-۱۰۹۶۰

کتابخانه ملی ایران

زندگی نامه
و
خدمات علمی و فرهنگی
دکتر شیرین بیانی



انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

۱۳۸۵

سلسله انتشارات و مجموعه زندگي نامه ها

شماره ۴۴/۱۳

زندگي نامه دکتر شيرين بياني

- ويراستار: اميد قنبري ● حروفچين: زيبا آقازاده ● ناظر فني چاپ: محمدرئوف مرادي
- لينوگرافي: باختر ● چاپ: دالاهو ● صحافي: چاوش ● نوبت چاپ: اول ۱۳۸۵
- شمارگان ۱۰۰۰ نسخه ● همه حقوق محفوظ است

ISBN: 964-528-045-1

● شابک: ۹۶۴-۵۲۸-۰۴۵-۱



انجمن آثار و مفاخر فرهنگي

دفتر مركزي: تهران - خيابان ولي عصر - پل اميربهادر - خيابان سرگرد بهيري (بوعلی)
شماره ۱۰۰ - تلفن: ۵۵۲۷۴۵۳۱-۳، دورنويس: ۵۵۲۷۴۵۳۰
دفتر فروش: خيابان انقلاب بين خيابان ابوريحان و خيابان دانشگاه - ساختمان
فروردين - شماره ۱۳۰۴، طبقه چهارم - شماره ۱۲۴ تلفن: ۶۶۴۰۹۱۰۱

قيمت: ۱۵۰۰ تومان

سر آغاز

علم را فرمودمان جُستن رسول جُست بایذت از نباشد جز به چین
قیمت هر کس به قدر علم اوست همچنین گفته‌ست امیرالمؤمنین
دانشمندان اسلامی اتفاق دارند بر اینکه سر پیشرفت مسلمانان
در همه علوم و فنون بر پایه دو جمله اساسی و کلیدی زیر بود:
نخستین جمله از جانب حضرت رسول اکرم (ص) به مسلمانان
اعلام شد که فرمود: «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ» و آنان را مجبور و
ملزم ساخت که علم و دانش را از هر کس و از هر جا فرا بگیرند
یعنی مرز جغرافیائی و مذهبی و نژادی از علم برداشته شد و
مسلمانان آثار علمی اقوام مختلف را از زبانهای یونانی و سریانی
و پهلوی و سانسکریت به عربی ترجمه کردند و در مراکز علمی

خود از زرتشتیان و مسیحیان و بودائیان و صابیان بهره‌برداری علمی نمودند.

دومین جمله از حضرت علی بن ابی طالب (ع) صادر شد که فرمود: «قِيَمَةُ كُلِّ امْرِئٍ عِلْمُهُ» که آن حضرت معیار ارزش آدمی را علم و دانش اعلام کرد و برپایه این قاعده عالم بر جاهل و أعلم بر عالم برتری یافت. در روایت آمده است وقتی یاران پیغمبر درباره بیماری از حضرت رسول (ص) کسب تکلیف کردند و حضرت فرمودند پزشک بر بالین بیمار بیاورند و آنان دو پزشک را آوردند. حضرت نپرسیدند کدام مسلمان و کدام غیر مسلمان و یا کدام عرب و کدام عجم است بلکه پرسیدند: «مَنْ أَطَبُّ مِنْهُمَا» یعنی کدام حاذق‌تر و ماهرتر در فن پزشکی هستند تا بیمار را به فرمان او بسپارند. تا وقتی این روش بر جا بود مسلمانان به اوج کمال علمی در همه زمینه‌ها رسیدند تا به جایی که دانششان از مرزهای جهان اسلام فراتر رفت و ترجمه‌های لاتینی آثارشان سالها دانشگاه‌ها و مراکز علمی، اروپا را به نور علم و دانش منور ساخت.

از آن زمان که حاکمان خودکامه شکوفائی علم را بر خلاف امیال و آرزوهای جاه‌طلبانه و منافع نامشروع خود یافتند به سرکوبی علم و عالم و نابود ساختن کتاب و کتابخانه و از بین بردن

مکتب و مدرسه پرداختند. پادشاهی در ری دویست دانشمند را به دار می‌آویزد و کتابهای علمی آنان را در زیر دار آنان می‌سوزاند و شاعری بلکه بهتر باید گفت شعرفروشی این عمل او را بدین‌گونه ستایش می‌کند:

دار به پا کردی باری دویست

گفتی کاین در خور خوی شماست

هر که از یشان به هوا کار کرد

بر سر چوبی خشک اندر هواست

سلطانی دیگر در شهری دیگر یک فوج سرباز را مامور می‌کند

تا رصدخانه‌ای را که مرکز ریاضی دانان و ستاره‌شناسان و

فیزیک دانان بود با خاک یکسان کنند و شاعری دیگر هم این عمل

را می‌ستاید و آن را یک وظیفه دینی برای او به شمار می‌آورد:

رصد را به یک لحظه بشکافتند

فراغت ز کار رصد یافتند

دعاگو شدندش همه اهل دین

که فرمود کاری به شرع مبین

از همین جهت است که از مدرسه نظامیه نیشابور و حکمت

خانه بلخ و ربع رشیدی تبریز و رصدخانه مراغه حتی یک خشت

هم برای ما باقی نمانده است.

سنت‌های علمی ما آن چنان به باد فراموشی سپرده شده که هرگاه دانشمندی از این جهان چشم برمی‌بندد ما با سربلندی از آن دانشمند با تعبیر «بدون جانشین» یاد می‌کنیم در حالی که اظهار این تعبیر اقرار به افول و انحطاط علم و اعتراف به خفت و سرشکستگی علمی و فراموش کردن سنت گذشته خود است. زیرا دانشمندان گذشته ما صریحاً می‌گفتند دانش همواره باید روی به فزونی و تزايد داشته باشد. محمد بن زکریای رازی یک هزار و صدسال پیش گفت: «أَنَّ الصَّنَاعَاتِ لَا تَزَالُ تَزَادُ وَتَقْرُبُ مِنَ الْكَمَالِ عَلَى الْآيَامِ وَتَجْعَلُ مَا اسْتَخْرَجَهُ الرَّجُلُ الْقَدِيمُ فِي الزَّمَانِ الطَّوِيلِ الَّذِي جَاءَ مِنْ بَعْدِهِ فِي الزَّمَانِ الْقَصِيرِ وَهَذَا يَدْعُو إِلَى أَنْ يَكُونَ الْمُتَأَخَّرُونَ مِنْ أَهْلِ الصَّنَاعَاتِ أَفْضَلَ فِيهَا مِنَ الْقَدَمَاءِ». یعنی علوم باید دائماً در پیشرفت و کمال باشند و اگر استادی در زمانی دراز به نتیجه‌ای علمی رسیده، شاگرد او باید در زمانی کوتاه آن را دریابد و بازمانده زمان را صرف تکمیل آن علم کند، و همین سبب می‌شود که همیشه شاگردان عالم‌تر از استادان خود باشند. بر پایه همین سنت بود که قطب‌الدین شیرازی در یکی از آثار خود می‌گوید: زیان‌آورترین عبارت برای علم و دانش جمله: «مَا

تَرَكَ الْأَوَّلَ لِلْآخِرِ شَيْئاً» است یعنی گذشتگان چیزی برای آیندگان باقی نگذاشته‌اند که شاعر هم همین را تأیید کرده است:

سخن گفته شد گفستی هم نماند

من از گفته خواهم یکی با تو راند

سخن هر چه گویم همه گفته‌اند

بَرِ بَاغِ دَانَشِ هَمِه رُفْتِه‌اند

یکی از سنت‌های علمی فراموش شده ارتباط میان استاد و دانشجو است، غافل از اینکه در کشور ما علم و اخلاق و دین برپایه رابطه میان معلّم و متعلّم و مُرَاد و مرید و امام و مأموم بوده است که آن به کلی در مراکز علمی ما منسوخ شده. استادی بازنشسته می‌شود و پس از آن دو یا سه دهه عمر می‌کند و هر روز از محلی که سی سال درس داده، عبور می‌کند یکبار از او خواسته نمی‌شود که بیاید و راز توفیق و پیشرفت خود را برای دانشجویان بازگو کند تا آنان سیرت علمی و عملی او را اسوه خود قرار دهند و یا کوششی به عمل نمی‌آید که بزرگان دین و دانش و اخلاق به وجه مطلوب به نسل جوان و دانشجو معرفی گردند. وقتی ما اسوه‌ها و الگوها را از چشم جوانان خود دور داریم آنان الگو و اسوه‌های نامناسب را از بیرون مرزها برای خود می‌یابند و کار به آنجا

می‌رسد که ما فریاد به عرش بر می‌داریم که جوانان ما مورد «هجمه غرب» قرار گرفته‌اند.

این ضعیف که از سی سال پیش، این کاستی را در محیط‌های علمی دریافته بود در صدد برآمد تا به هر وسیله‌ای که ممکن است بزرگان دین و دانش را به نسل جوان و دانشجو معرفی نماید. در سال ۱۳۵۱ که انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی را با کمک برخی از همکاران تأسیس نمود، تشکیل مراسم و بزرگداشت برای ارباب علم و ادب را یکی از اهداف آن انجمن قرار داد. او موفق شد که در سال ۱۳۵۵ مجلس بزرگداشتی برای مرحوم استاد جلال‌الدین همائی در تالار فردوسی دانشگاه تهران برگزار کند. حاضران آن مجلس که هم اکنون از گردانندگان کشور هستند، می‌گویند ما در آن مراسم تحت تأثیر استاد قرار گرفتیم به ویژه به چشم دیدیم که بسیاری از رجال بزرگ مملکت به پاس قدردانی از ایام شاگردی و تلمذ خود بوسه بر دست و پای استاد پیر خود می‌زدند. در سال ۱۳۵۶ مجلسی برای مرحوم سید محمد تقی مدرّس رضوی در باشگاه دانشگاه تهران برپا داشتیم که دانشجویان آن زمان تحت تأثیر تقوی و پارسائی آن سید جلیل‌القدر قرار گرفتند. در سال ۱۳۶۱ در تالار علّامه امینی

دانشگاه تهران بزرگداشتی برای مرحوم استاد احمد آرام برپا کردیم، استادی که آخرین جمله‌ای را که با دست خود نوشت در دفاع از دین و اخلاق و مروت و آزادگی بود. کتابهای همایی نامه و جشن نامه مدرّس رضوی و آرام نامه که مشتمل بر مقالاتی است که شاگردان و دوستان آن بزرگواران به آنان تقدیم داشتند، هنوز دست به دست می‌گردد و خوانندگان آنها تشکر و سپاس خود را بر من که بانی این امر خیر بودم ارزانی می‌دارند به ویژه آنکه آن بزرگواران را در زمانی که به قول شاعر: «إِذَا مَا عُذِّ مِنْ سَقَطِ الْمَتَاعِ» به شمار می‌آمدند، مورد تکریم و تعظیم قرار دادم. دعای خیر همین بزرگان موجب گردید که خداوند به من توفیق و فرصت دهد تا بتوانم آن آرزوی دیرینه خود را در سطح گسترده‌تری ادامه دهم. ادامه این امر از نخستین روزی که عهده دار اداره انجمن آثار و مفاخر فرهنگی شدم عملی گردید و از مهر ماه ۱۳۷۸ تا کنون هر ماهه مجلس بزرگداشتی برای یکی از دانشمندان و بزرگانی که به علم و فرهنگ کشور خدمت کرده‌اند، برگزار کرده و با کمک همکاران خود برای هر یک، بزرگداشت نامه‌ای به آن عزیزان تقدیم داشته‌ایم.

عمل خیر ما مورد استقبال دانش دوستان کشور قرار گرفت، چنانکه هم‌اکنون آن بزرگداشت نامه‌ها نایاب گردیده در حالی که

مشتاقان آن‌ها، روز به روز افزونی می‌یابند و بسیار مسروریم که این مجموعه که شمار آن تاکنون به هفتادوشش رسیده، دوباره منتشر می‌شود و در دسترس اهل علم قرار می‌گیرد.

با آنکه بارها کتباً و شفاهاً از اولیای آموزش و پرورش کشور خواسته‌ایم تا این مجموعه را در کتابخانه‌های مدارس در دسترس دانش‌آموزان قرار دهند هیچ گونه اقدامی در این زمینه به عمل نیامده است متأسفانه:

کس نمی‌خرد رَحیق و سلسبیل

روی زی زَقوم نهادند و حمیم
در این جا مناسب دانسته شد صورتی شامل نام و زمینه علمی
کسانی که در انجمن مورد بزرگداشت قرار گرفته‌اند ارائه شود و
حوزه کار و فعالیت علمی آنان بر خوانندگان گرامی این مجموعه
عرضه گردد. عددی که بعد از نام بزرگان آمده، شماره
بزرگداشت‌نامه‌ها است.

آیات عظام و حجج اسلام و استادان حوزه

حاج شیخ هادی نجم آبادی، ۴، فقیه و اصولی
شهید مرتضی مطهری، ۹، مدرّس و واعظ و استاد دانشگاه

میرزا مهدی مدرّس آشتیانی، ۱۳، استاد و مدرّس فلسفه در حوزه
و دانشگاه

حسینعلی راشد، ۱۵، مدرّس و واعظ و استاد دانشگاه

محمدعلی مدرّس تبریزی، ۲۲، فقیه و رجالی و محدّث

محمدتقی آملی، ۲۷، مدرّس فقه و اصول و فلسفه

سید محمدکاظم عبّار، ۴۱، مدرّس و استاد فلسفه در حوزه و
دانشگاه

عباسعلی محقق خراسانی، ۴۷، واعظ و محدّث و قیام کننده علیه
نظام استبدادی

حاج ملاهادی سبزواری، ۵۶، فیلسوف و منطقی و ادیب و فقیه

سید حسن موسوی بجنوردی، ۵۹، فقیه و اصولی

میرزا ابوالحسن شعرانی، ۶۵، مدرّس فلسفه و کلام و منطق

سید جلال الدّین آشتیانی، ۷۰، استاد و مدرّس فلسفه در حوزه و
دانشگاه

استادان و پژوهشگران در حوزه علوم انسانی

محمد حسن لطفی، ۳، مترجم آثار فلسفی

محمد قزوینی، ۵، ادیب و مورّخ و ناقد ادبی

سید جعفر سجّادی، ۷، استاد فلسفه و منطق

عبدالحسین نوائی، ۸، نویسنده و مورّخ

محمد حسن گنجی، ۱۰، جغرافی دان و هواشناس

جلال الدّین همائی، ۱۱، ادیب و فیلسوف و استاد علوم بلاغت

فتح الله مجتبائی، ۱۶، استاد تاریخ ادیان و هندشناس

یحیی ماهیار نوابی، ۲۰، استاد ادبیّات فارسی و زبانهای باستانی

سید علی موسوی بهبهانی، ۲۱، استاد علوم قرآنی و ادب عربی

مجتبی مینوی، ۲۲، مورّخ و ادیب و استاد ادبیّات تطبیقی

جواد حدیدی، ۲۵، ادبیّات تطبیقی و زبان فرانسه

محمود روح الامینی، ۲۹، استاد جامعه شناسی و مردم شناسی

سید ضیاء الدّین سجّادی، ۳۲، استاد زبان و ادبیّات فارسی

بهاء الدّین خرمشاهی، ۴۳، مترجم و ادیب و قرآن شناس

زین العابدین مؤتمن، ۳۷، استاد زبان و ادبیّات فارسی

علی محمّد کاردان، ۳۹، استاد روانشناسی و علوم تربیتی

حمید فرزام، ۴۹، استاد زبان و ادبیّات فارسی

سید احمد ادیب پیشاوری، ۵۲، استاد و ادیب زبان فارسی و عربی

نصر الله پورجوادی، ۵۴، استاد تصوّف و عرفان

اسماعیل حاکمی والا، ۵۵، استاد زبان و ادبیّات فارسی

غلامحسین یوسفی، ۵۷، استاد زبان و ادبیات فارسی
 رضا داوری اردکانی، ۵۸، استاد فلسفه و جامعه شناسی
 عباس اقبال آشتیانی، ۶۰، مورخ و ادیب و ناقد ادبی
 ناصر کاتوزیان، ۶۱، قاضی و استاد حقوق
 محمد خوانساری، ۶۲، استاد منطق و فلسفه و ادب عربی
 سید حسن قاضی طباطبائی، ۶۳، استاد ادبیات فارسی و عربی
 احمد بهمنیار کرمانی، ۶۷، استاد ادبیات فارسی و عربی
 محمد نخجوانی، ۶۹، نسخه شناس و کتاب شناس
 غلامحسین شکوهی، ۷۱، استاد علوم تربیتی
 عبدالمحمد آیتی، ۷۵، مترجم و پژوهشگر ادب فارسی و عربی

استادان و پژوهشگران در حوزه علوم محضه و تاریخ علوم

احمد بیرشک، ۲، ریاضیات و تاریخ علوم ریاضی
 محمود نجم آبادی، ۴، تاریخ پزشکی
 یدالله سبحانی، ۵ آب شناسی و آبیاری
 محسن هشرودی، ۱۹، ریاضیات و تاریخ علوم ریاضی
 علیقلی بیانی، ۲۳، آب شناسی و سدسازی
 پرویز شهریار، ۳۱، ریاضیات و تاریخ علوم ریاضی

اسدالله آل بویه، ۳۳، ریاضیات و هندسه
 عبدالغفارخان نجم الدوله، ۵۱، ریاضیات و مهندسی
 دکتر حسن تاج بخش، ۷۳، تاریخ پزشکی و دامپزشکی

استادان و دانشمندان خارجی

توشی هیکو ایزوتسو، فلسفه اسلامی و قرآن‌شناسی
 سید محمدنقیب العطاس، ۲۸، اسلام در دوره معاصر
 سید امیرحسن عابدی، ۳۰، زبان و ادب فارسی در شبه قاره
 نذیر احمد، ۳۸، زبان و ادب فارسی در شبه قاره

بانوان فاضل

توران میرهادی، ۱۴، تعلیم و تربیت
 شیرین بیانی، ۴۴، تاریخ ایران
 ژاله آموزگار، ۴۵، زبانهای باستانی ایران
 پروین اعتصامی، ۴۶، شاعر و ادیب
 فاطمه سیاح، ۴۸، ادبیات تطبیقی
 زهرا رهنورد، ۵۰، هنرشناسی
 نوش آفرین انصاری، ۵۳، کتابداری

دانشمندان کرد و اهل تسنن

عبدالرحمان شرفکندی (هزار) ۱۲، شاعر و مترجم
 ابراهیم یونسی، ۲۶، نویسنده و مترجم
 احمد ترجانی زاده، ۴۱، زبان و ادبیات فارسی
 عبدالحمید بدیع الزماني کردستانی، ۴۲، زبان و ادب عربی
 مستوره کردستانی (ماه شرف خانم)، ۷۴، شاعر و مورخ

مبتکران و نوآوران

جبار باغچه بان، ۳۶، روش آموزش زبان فارسی به کودکان و روش
 تدریس زبان به ناشنوایان
 کیومرث صابری فومنی، ۶۴، ادیب و طنزپرداز
 محمد بهمن بیگی، ۶۶، ایل شناس و تعلیم و تربیت عشایر
 بابا صفری، ۶۸، مورخ و پژوهشگر
 احمد منزوی، ۳۴، کتاب شناس و نسخه شناس و فهرست نگار
 حسن حکمت نژاد، ۳۵، طراح فرس و قالی
 با ملاحظه ای اجمالی به این صورت آشکار می گردد که در
 انتخاب افراد برای تعظیم و تکریم رعایت تناسب شده و کوشش
 شده از طبقات گوناگون که دارای رشته های علمی مختلف بوده اند

بهترین‌ها برگزیده شوند به ویژه کسانی که ما به آثار و تألیفات و شرح احوال آنان برای تدوین بزرگداشت‌نامه دسترسی داشته‌ایم. این موجب تأسف است که ما جا و مکان مناسبی که بتوانیم جوانان و دانشجویان را در این مراسم جای دهیم، نداریم و همیشه باید سر خجلت به زیر داشته باشیم که حاضران در این مراسم باشکوه ناچارند در راهروها و دهلیزها و حتی روی زمین حیاط انجمن بنشینند. ما که برای پرورش جسم جوانهای خود استادیوم صدهزار نفری داریم آیا سزاوار نیست برای تربیت جان و روح آنان جای مناسبی داشته باشیم تا آنکه آنان مشمول: «فربه شده به جسم و به جان لاغر» نشوند.

امید است که این بئ‌الشکوی مورد توجه اولیای امور قرار گیرد و آنچه را که در این سرآغاز نگاشته گردیده جدی بنگرند و در صدد رفع کاستی آن برآیند و این را بدانند که هر کس از این مراسم بهره بردارد، ثوابش نصیب آنان خواهد گردید. بعون الله تعالی و کرمه.

مهدی محقق

رئیس هیأت مدیره انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

آبان ماه ۱۳۸۵

فهرست

۳	پیشگفتار	مهدی محقق
۹	حملة مغول: بازتولید وحشتی ژنتیک	
۱۱	گفت‌وگوی شیرین بیانی با امید قنبری و خسرو خواجه نوری	
۷۷	وضع روحانیان در عهد ایلخانی	شیرین بیانی
۱۸۵	شجره‌نامه فرمانروایان و سلاطین مغول	شیرین بیانی
۱۹۳	کارنامه	
۲۰۳	عکس‌ها و اسناد	

پیشگفتار

به نام خداوند جان و خرد

«انجمن آثار و مفاخر فرهنگی» بسیار بسیار مفتخر است که در «چهار سال اخیر» موفق شده از چهل و چهار تن از بزرگان علم و ادب و فرهنگ این کشور تقدیر و تجلیل به عمل آورد و به موازات آن، زندگی‌نامه‌ای برای هر یک از آنان آماده سازد؛ تا آنانکه در مراسم حضور نداشته‌اند از سیرت و شیوه زندگی علمی و عملی آن سروران آگاه گردند و آنان را اسوه و ملاک اعمال خود قرار دهند؛ به ویژه نسل جوان و دانشجویان که باید بزرگان و مفاخر کشور خود را بشناسند و به سنت آنان اقتدا نمایند. این حرکت بی سابقه انجمن یعنی تجلیل مداوم و تکریم مستمر، موجب بیداری و هشیاری مردم گشته که در سایر نقاط کشور نیز در اندیشه برگزاری چنین مجالس و محافلی برآمده‌اند.

اگر امکانات و وسایل برگزاری این گونه مراسم فراهم شود، رابطه نسل جدید با نسل قدیم گسسته

نمی‌گردد و ویژگیهای فرهنگی که مبتنی بر ادب و علم و اخلاق و دین و مذهب ماست، پایدار و باقی می‌ماند و ترس از هجمه فرهنگی، که اکنون ورد زبان شده، به تدریج فرو می‌نشیند. ما در گزینش و انتخاب افراد برای بزرگداشت، کوشش‌های علمی و خدمات فرهنگی را ملاحظه امر قرار داده‌ایم. از این روی در میان آنان روحانیانی همچون مرحوم میرزا مهدی مدرّس آشتیانی و شیخ محمدتقی آملی و سید محمد کاظم عصّار تهرانی و شهید مرتضی مطهری دیده می‌شوند، و از استادان دانشگاه مرحوم جلال‌الدین همایی و دکتر یدالله سبحانی و دکتر محمدحسن گنجی و دکتر فتح‌الله مجتبایی به نظر می‌آیند، و از میان اهل سنت و جماعت مرحوم عبدالرحمن شرفکندی و عبدالحمید بدیع‌الزمانی و دکتر ابراهیم یونسی و استاد اکبر ترجانی زاده به چشم می‌خورند. در این جریان موازنه میان درگذشتگان و آنان که در قید حیات هستند، رعایت شده؛ چه آنکه پیش از این، شیوه بر این بوده که دانشمندان را در زمان زندگی مورد بی‌توجهی قرار دهند و پس از رفتن آنان فقدانشان احساس گردد و این بیت به همین مناسبت به عنوان یک اصل شناخته شده بود که:

المرءُ ما دَامَ حَیّاً یُسْتَهَانُ بِهِ
و یُعْظَمُ الرُّزْءُ مِنْهُ حِینَ یُسْتَفْتَدُ

خوشبختانه ما مراسم بزرگداشت استادان و بزرگان زیر را در محضر شریف خودشان برگزار کردیم: دکتر سیدجعفر سجّادی، دکتر سیدعلی موسوی بهبهانی، مهندس علی قلی بیانی، دکتر محمود روح‌الامینی، استاد پرویز شهریار، استاد احمد منزوی، استاد زین‌العابدین مؤتمن، دکتر علیمحمد کاردان و برخی دیگر که نامشان در آغاز این زندگی‌نامه به تفصیل آمده است. در طی این مدت، از برخی از بزرگان و استادان خارجی که خدمت شایانی به ادب و فرهنگ ما کرده‌اند، غافل نبودیم و مراسمی برای بزرگانی همچون: مرحوم پروفیسور توشی هیکو ایزوتسو (دانشگاه کیو، ژاپن) و پروفیسور سیدمحمد نقیب‌العطّاس (دانشگاه اسلامی مالزی) و پروفیسور امیرحسن عابدی (دانشگاه دهلی، هند) و پروفیسور نذیراحمد (دانشگاه اسلامی علیگر، هند) برپا داشته‌ایم.

استاد گرامی آقای دکتر حسن حبیبی، رئیس محترم «بنیاد ایران‌شناسی» که همواره مشوّق ما در این حرکت معنوی بوده‌اند، در یکی از جلسات انجمن اشاره فرمودند که میزان سن را پائین‌تر بیاوریم و به کسانی که از هفتاد سالگی بالاتر هستند بسنده نکنیم، تا آنانکه مورد تعظیم و تکریم قرار می‌گیرند انعکاس خدمات خود و قدردانی مردم را در زمانی طولانی مشاهده کنند و از

التذان و ابتهاج آن برخوردار گردند. از این روی ما این سفارش را از ماه رمضان گذشته، که ماه قرآن است، با بزرگداشت قرآن‌پژوه و ادیب فاضل کشورمان استاد بهاء‌الدین خرّمشاهی آغاز کردیم و این، دست ما را باز گذاشت تا تنی چند از بانوان فرهیخته کشورمان را که چند دهه در خدمت فرهنگ و علم و ادب کشور بوده‌اند در برنامه اعمالمان قرار دهیم، هرچند پیش از این مجلسی برای بانوی توانا و توانمند خانم توران میرهادی که یک تنه بدون عِدّت و عُدّت ده مجلد فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان را به کودکان و نسل جوان کشورمان تقدیم کرده برگزار کرده بودیم.

در این جا باید اشاره کرد که در تاریخ کشور ما، بر زنان ستم مضاعف شده و به آنان مجال داده نشده تا استعدادهای درونی خود را به فعلیت رسانند و ثابت کنند که نه تنها از مردان کمتر نیستند بلکه در بسیاری از امور، با ظرافت و لطافتی که خداوند بزرگ در نهادشان سرشته است، کار را بهتر و دلنشین‌تر انجام می‌دهند که از میان این امور می‌توان امر تعلیم و تربیت و پرستاری و بیمارداری و آداب سلوک و معاشرت و روانشناسی فردی و اجتماعی را نام برد. یک بانوی موزّخ، نه تنها به بررسی حوادث و وقایع تاریخی می‌پردازد، بلکه راز و رمزهایی که در اسباب و مسببات آن حوادث نهفته است،

کشف می‌نماید و گذشته از ظاهر امر پی به ارتباطات باطنی که میان اشخاص و رخدادها وجود دارد می‌برد و با این «تعمّل ذهنی» می‌تواند گذشته را چراغ راه آینده قرار دهد و به قول مورخان سیرتِ اولین و غابریل را عبرت برای آخرین و عابریل بسازد.

یکی از مصادیق بارز این صفات بانوی دانشمند و دانش‌دوست استاد دکتر شیرین بیانی است که با استفاده از دانش موروث و مکتسب خود چند دهه به تدریس و تحقیق و تألیف در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران پرداخته و با آثار ارزنده خود، که برخی از آنها برنده جایزه بهترین کتاب سال شده، مایه مباهات و افتخار زن ایرانی گردیده است. همت و کوشش این استاد پژوهنده باید مورد پیروی طبقه بانوان، به ویژه دختران جوان کشور ما، قرار گیرد و با زحمت و تلاش توأم با پاکی و دلسوزی خود بتوانند در توسعه و آباد ساختن مادی و معنوی کشورمان با مردان مشارکت و مشاورت و رایزنی و همکاری بنمایند. به قول فردوسی:

زپاک‌ی و از پارسایی زن

که هم غمگسار است و هم رایزن

«انجمن آثار و مفاخر فرهنگی» مفتخر است که این

مجلس باشکوه را برای این بانوی فرزانه برپا می‌دارد.

امید است که با برطرف شدن تنگناها و مضایق موجود، انجمن در آینده موفق شود که این حرکتی را که با دشواری آغاز کرده است، به خوبی و فرخی و پیروزی ادامه دهد. بعون الله تعالی و کرمه.

مهدی محقق

رئیس هیأت مدیره

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی